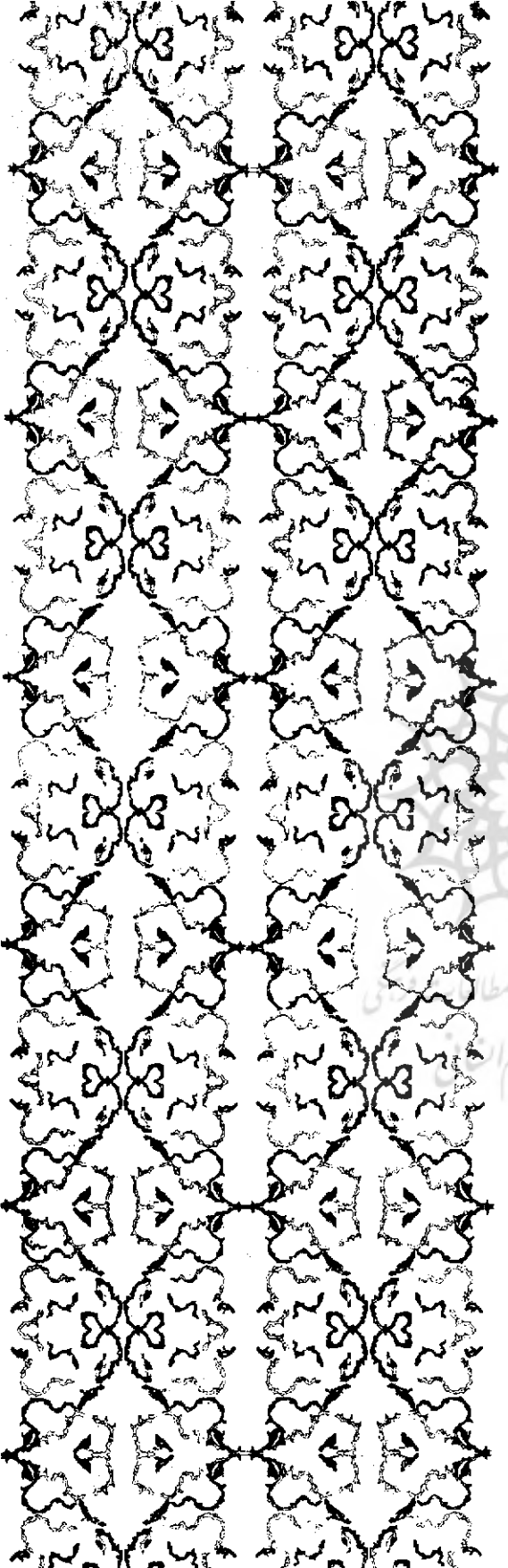

جام زرین حسنلو
(۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نوشته

پوران دیبا (بزبان فرانسه)

برگرداننده

دکتر انوشیروان وکیلی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

٤ـ مسئله منشأ تصاویر جام

درحال حاضر، ما ازفرهنگ قومی‌که جام زرین حسنلو بـدان تعلق داشته هیچ چیز نمیدانیم. معذالك، معتقدات آن قوم هرچه بوده، بنظر می‌آیدکه صحنه‌های نقش شده برروی‌جام مبین یکنوع اظهار مطلب ازراه علائم (سمبلیسم) است ـ نظیرصحنه‌های نقاشی درون‌کلیساها جهت روشن‌کردن ذهن‌مومنین‌مسیحی‌ولی باطرحهائی بمراتب ساده‌تر و تجریدی‌تر از آنها ـ که خطوط اصلی معتقدات مزبوررا، آنهم بطور خلاصه، ارائه داده باشد.

آنچه نهایت اهمیت ولزوم را دارد اینست‌که ـ درعین‌کوشش برای مجزا ساختن قسمت تقلیدی از قسمت اصیل محلی که درایجاد این صحنه شرکت داشته است ـ معنای واقعی ومنشأ مطلبی را که از راه علائم بیان گردیده کشف نمائیم.

آثار باستانی خاورمیانه قدیم که همراه بامتن است، در قدم اول‌مبنائی برای‌تفسیر موضوعات‌جام‌حسنلو عرضه‌میدارد. البته‌قبول چنین منبعی متضمن آنست‌که ما نه‌ایها معنویاتی مشابـه ساکنین بین‌النهرین داشته و اساطیری مشترك باآنها دارا بوده‌اند.

باپیش‌گرفتن این راه، ما سعی میکنیم، طی مطالبی‌که خواهیم گفت، ثابت نمائیم که نقوش حسنلو، نسبت بموضوعـات مصور خاورمیانه قدیم که تاکنون شناخته شده، تحولی را نشان میدهد. بعقیده مـا درست همین تفـاوت طرز بیان است‌که معانی محلـی اساطیر منقوش برجام مورد بحث‌را آشکار ساخته و راه درك مذهب

مانه‌ایها را باز میکند. باید توضیح دهیم که فرضیه یك الـهام خارجی فقط شمایل‌سازی را در برمی‌گیرد ولی سبك وطرز پرداخت شکل‌ها مختص سنت هنری ایران، چنانکه بعداً تعریف خواهد شد، بنظر می‌آید.

از همین‌حالا پیشنهاد میکنیم که تصاویر ردیف بالائی جام را معرف فکر اصلی شناخته و صحنه‌های ردیف پائینی‌را، که بدون هیچ توجهی بنظم‌وربط مطالب آورده شده، مجموعه‌ای بدانیم از اساطیر قهرمانی و داستانی که جزء لایتجزای کتب مقدسه تقریباً تمام اقوام آسیای غربی بوده است.

منشأ اکثر این موضوعات منتهی میشود به‌اشعار اساطیری یا قهرمانی نویسندگان بین‌النهرینی که همیشه هم بیك صورت‌بیان نشده است. چنانکه اساطیر اکدی بااساطیر سومری فرق‌داشته وبین اقوامی که تحت نفوذ اکد بوده‌اند باز هم تفاوتهای بارزی‌دراساطیرشان دیده‌میشود. باوجود اینها، سنتها ازنسلی‌بنسل دیگرمنتقل شده و نحوه بیان آنها درمتون مختلف کمابیش یکسان مانده است.

سه ارابه‌ران

بدون امکان کمترین اشتباهی ، رژه سه خدای سوار بر ارابه مربوط میشود بمعتقدات کهن‌آسیای صغیر. تصور خدای طوفان، باگاو بعنوان علامت مشخصه، یك فکر بسیار رایجی بود در تمام کشورهای کوهستانی شمال سوریه و دربین هیتی‌ها و هوری‌ها. نخستین نمونه‌های آن در لوحه‌های پیش از هیتی هزاره دوم قبل از میلاد کاپادوسیه ــ که هرشهر مهمی برای خودش یك خـدای طوفان داشت ــ به‌چشم میخورد[۲۵] . پس از لوحه‌های مزبور،آثاری

25— R. Dussaud: Les tablettes cappadociennes du Musée du Louvre, p. 54, fig. 4, pl. III, 2.

که بهتر از همه پرستش این رب‌النوع را نشان میدهد عبارتست از نقوش برجسته هیتی معابد در هوای‌آزاد یازیلیکایا (Yazilikaya) و مالاتیا (Malatya) که از قرن پانزدهم تا دوازهم قبل از میلاد ساخته شده است.[۲۶] آثار حکاکی ریزکاری (Glyptique) از جمله مهر استوانه‌ای مشهور به تیزکیه‌ویچ (Tyszkiewicz) رابطه‌ای بین لوحه‌های کاپادوسی و نقوش یادشده هیتی برقرار مینماید.[۲۷]

بعلت بزرگی جثه حیوان و دقت زیادی که صرف ترسیم‌آن شده است، چنین استنباط میشود که این ارابه‌ران مقام اول را دراصول تکوین الهی ــ نظیر خدای طوفان نقش برجسته بزرگ یازیلیکایا و یا نقوش برجسته مالاتیا ــ دارا بوده بطوریکه ، علیرغم ترتیب ازهم دررفته صحنه‌های‌جام، بیننده مجبور است‌که این ارابه سوار و گاوش را سرآغاز و کلید وقایعی که بصورت آشفته‌ای بیان‌میشود بداند.

البته، لباس وطرزآرایش سرش عیناً مطابق‌صورتهای نقشهای برجسته هیتی نمی‌باشد. اما روی شانه‌هایش چیزی دیده میشودکه میتوان بیك جفت بال تعبیرکرد. خوب، درمیـان شکلهای مختلف خدای طوفان مالاتیا یکی هست که بالدار بوده وبرپشت شیری،که آنهم بالدار است، ایستاده است.[۲۸]

ازسوی دیگر، خدای هیتی تشوب (Teshoub) مانند خدای‌کنعانی

26— Louis Delaporte: Malataya Arslantépé, fac. I (1940). — K. Bittel, R. Naumann, W. Otto: Yazilikaya (1941). — Walter Andrae: Alte Fest—strassen im Nahen Osten (1941).

27— Henri Frankfort: Cylinder Seals (1939), pl. XI (n, o).

28— R. Dussaud: Les religions des Hittites et des Hourrites, des Phéniciens et des Syriens, Paris 1945 (2e éd. 1949), p. 338.

طوفان ادد (Adad) یـا **هدد** (Hadad) ، همیشه همراه باابرها، بعنوان نشانه و علامت تاخت وتاز، نموده شده‌اند. ضمناً نباید ازنظردور داشت‌که دراین زمان هنوز رسم نبوده که سوار اسب شوند بلکه سوار برارابه‌ای میشدندکه درآغاز گاو یا خر وحشی و بعداً اسب بدان بسته میشد. این مشخصات باحالت خدای نقش بسته برروی جام حسنلو کاملا تطبیق میکند و فقط تفاوتهائی ناشی از زمان و سلیقه درآن مشاهده میشود. همانطورکه رب‌النوع رعد و بـرق ترسیم شده بریك مهر استوانه‌ای کاپادوسی بـرپشت گاو نری ایستاده است[۲۹] درحالیکه شکل سنتی او، بصورتیکه آشوریهاتجسم مینموده‌اند و روی سنگ یادگار مکشوفه از آسلان‌تاش (Aslan-Tash) وموجود در موزه‌لوور دیده‌میشود، ایجاب میکرده‌که یك‌پای راروی شاخ و پای دیگر را روی کپل گاو بگذارد.[۳۰]

درادبیات، اینگونه بیان مطلب ازطریق علائم خیلی دورتـر میرود. یك سرود مذهبی از «گاو بزرگ» یاد میکندکه مفهوم آن فقط خود گاو نیست بلکه شخصیت تشوب را هم دربرمیگیرد.

تمام این معلومات ما را مجاز میسازد باینکه تصویر بالدارجام حسنلو را ــ که‌شلاقش راگوئی‌برای جنگ باعناصر طبیعی بحرکت درمی‌آورد (شکل ۲۰) ــ همتای رب‌النوع طوفان هیتی‌ها ویاهوریها بشمار آوریم.

بمناسبت پوشش سرشان، رانندگان ارابه‌های دوم و سوم‌بسته شده بخروحشی‌بترتیب ارباب انواع خورشید وماه، یا شمش‌وسین، را بخاطر می‌آورند. چنین تجمعی غیرعادی و بیقاعده نیست، زیرا

29— G. Contenau: La glyptique syro-hittite, Paris 1922, pl. II, 6. — T. & N. Ozguc: Ausgrabungen in Kultepe, (1950), no. 721.

30— A. Parrot: Assur, fig. 84.

۲۰ـ جام حسنلو : راننده ارابه گاوی

هم در شهرآشور و هم درعلم الهیات بابلی، پرستش ادد یا خدای طوفان همراه با دو رب‌النوع مزبور بعمل آمده و درپایان قانون حموربی، نام ادد «صاحب فراوانی و ازدیاد آب چشمه‌ها» در امر اجرای عدالت، بمعیت اسم شمش ذکر گردیده است.[۳۱]

ازسوی دیگر، درنقشهای برجسته مالتائی[۳۲] ـ نقطه‌ای برکنار

31— Ed. Dhorme: Les religions de la Babylonie et de l'Assyrie. pp. 97 ss, 126, 127.

32— F. Thureau-Dangin, in Revue d'Assyriologie et d'Archéologie Orientale, Paris, 1924, XXI, pp. 185-197. — G. Contenau. Manuel d'Archéologie orientale depuis les origines jusqu'à l'époque d'Alexandre. 4 vo., Payot, Paris, 1927-1947, tome 3, p. 1280. — A. Parrot: Assur, p. 71.

رود دجله و درنزدیکی خرس‌آباد ــ که بامر سناخریب برروی سنگ کنده شده، دیده میشودکه خدایان‌آسمانی اند، شمش‌وسین پشت‌سر خدایان اعظم آشور و ایشتر حرکت میکنند. درآنجا شمش برپشت اسبی ایستاده است. برلوح سنگ آشارهادن (Ashardadon) کــه در تیل بار سیب بدست آمده، بازهم شمش بهمین صورت نشان داده شده است.[۳۳]

یك فرضیه دیگر آنست که نقوش جام حسنلو، موضوع اصلی دسته (بمفهوم دسته سینه‌زنــی یا نظیر آن) یا زیلیکایا را مجسم نماید. دراین دسته، تشوب همراه دوگاونر موسوم به سری وهوری (Seri, Hourri) میباشد و در اینکار یك‌قصد آشکاری در ارائــه علائم و مظاهر بچشم میخورد. زیرا معنای کلمه سری روز بوده و عقیده داشتند جایگاهش نزد الهه آفتاب قرار داشته است. همچنین معنای هوری شب‌بوده وگاومزبور پهلوی رب‌النوع طوفان وتاریکی سر میکرده است.[۳۴] در اینصورت، اجتماع ثلاثه جام حسنلو ما را دربرابر خدای بزرگ طوفان، که شاید معبد هم برای او ساخته شده بوده، و دو مصاحب آسمانیش میگذارد.

مراسم جرعه فشانی و قربانی

گذشته از این رژه فضائی مخصوص خدایان عناصر طبیعی، که اهمیتشان بابیان علائمی‌تاکیدگردیده، ماشاهد دوتا ازمناسك سنتی ومذهبی خاورمیانه قدیم، جرعه فشانی (Libation) و قربانــی، میباشیم.

33— F. Thureau-Dangin & M. Dunand: Til-Barsib, Paris, 1936, p. 152, pl. XII.

34— R. Dussaud: Les religions des Hittites..., p. 347.

جرعه فشانی اصولا یك‌نوع تقدیم پیشکشی است‌که بوسیله شاه یاکاهن بزرگ انجام می‌گرفت. درعین‌حال، آئینی بوده‌بمنظور حاصلخیزی زمین، زیرا جرعه‌آب مظهر باران، یعنی عامل ناگزیر روئیدن گیاهان و تأمین زندگی محسوب و برزمین فشاندن آن‌موجب جلب آن میگردیده است. درنقش سومری‌گودآ (Gudéa) ،این جرعه برروی گلدانی میریزد که گیاهی درآن جای داده شده است.[۳۵]

برروی جام حسنلو، گاو نر بزرگ، علامت مشخصه تشوب ، جلوی کسیکه پیاله‌ای را با دو دست بلند نموده، جریان تندی از مایعی‌را بزمین‌میریزد (شکل۲۱). موضوع‌گاوی‌که ازدهانش‌نهری

۲۱ـ جام حسنلو : گاوی که ازدهانش ستون آبی برزمین میریزد .

جاری میشود خودش خیلی چیزها را روشن میکند. زیرا از یکسو یکبار دیگر هم هویت رب‌النوع طوفان را تائید نموده و از سوی دیگر به اسطوره حاصلخیزی، یکی ازقدیمترین ورایج‌ترین اساطیر

35— A. Parrot: Sumer, fig. 281, 282.

آسیای جنوب‌غربی، می‌پیوندد.

باوجود آنکه در شمایل‌سازی این موضوع ندرتاً ظاهر میشود، ما آنرا در سه اثر زیرین، متعلق به هزاره سوم قبل از میلاد، می‌یابیم:

۱ــ برروی یك استوانه مکشوفه در اور (Ur) و مربوط بدوران اکد، دو ستون آب از دهان گاوی فروریخته و سطح زمین را فرا میگیرد، در حالیکه در گوشه‌ای از استوانه مزبور، یك گاو وحشی کوچکی برفراز مربع‌مستطیلی که حاوی نام نذرکننده است بحال چمباتمه دیده میشود.[۳۶]

۲ــ موضوع مورد بحث بصورت متفاوتی بر استوانه مشهور به استوانه شارکالی‌شاری (Sharkalishari) از مجموعه د کلر (De Clerq) و متعلق به نیمه هزاره سوم قبل از میلاد نقش بسته است.[۳۷] در آنجا گاوی مشغول نوشیدن آبی است که از ظرفی‌فوران مینماید. البته فرق بین این منظره با گاو جام حسنلو، که هم منبع آبست و هم چشمه، زیاد است لکن این تصویر رابطه‌ای برقرار میکند بین موضوع مورد مطالعه ما با موضوع ظروف فواره‌دار که بکرات در پایان هزاره سوم و سراسر هزاره دوم قبل ازمیلاد ترسیم میگردیده است.[۳۸]

۳ــ برظرف از جنس استآتیت (Stéatite) مکشوفه در خفاجه،

36— L. Legrain: Excavation X. Seal Cylinders, London, 1951, fig. 186.

37— A. Parrot: Sumer, p. 186, fig. 223. — De Clercq avec la collaboration de M. J. Menant: Catalogue méthodique et raisonnée, tome 1, Cylindres orientaux, Paris, 1888.

38— A. Parrot: Sumer, fig. 339-392.

از میان آبی‌که از دهان‌گاو خارج میشودگیاهی سر برآورده‌است،[۳۹] کاملا مانند جامی‌که در برابر آن گوداً جرعه‌فشانی میکند که‌گیاهی در آن جام رسته است و یا مانند ظرفی (که اهل فن Arybale نامند) و اجنه منقوش بریك جام زرینی از املش با دو دست برروی سینه نگهداشته‌اند (شکل ۲۲).[۴۰]

مبنای اعتقاد بجرعه فشانی و دلیل کثرت نمایش آن برروی آثار تاریخی را میتوان بسهولت درك نمود. مردم مانه‌ای که بر دو دامنه کوهستان زاگرس مستقر شده بودند، مثل همسایگان بین‌النهرینی‌شان، مجبور بودند که بعوامل جوی، که موجودیت و فراخی نعمتشان بدان بسته بود، سخت بیاندیشند. لذا بسیار طبیعیست‌که آب یعنی نخستین عنصر حیات در خط مقدم مسائل معنوی قوم مزبور جای گرفته باشد.

و اما شخص مجری این آداب (شکل ۲۳)، او شاه است یا کاهن؟ یا هردو؟ تشخیص آن دشوار است. فقط معلومست‌که لباس و طرز آرایش سرش از دیگر مردان این جام متمایز میباشد وهیأت مجریان آداب معابد را بخاطر میآورد. شاید هم یکی از انبوه تصاویر پیشوایان مذهبی است‌که آثار تاریخی سومر و اکدی بما عرضه داشته‌اند و بعنوان مثال از چند تای آنها در زیر یاد میکنیم:

ـ الواح مذهبی لاگاش (Lagash)[۴۱].

ـ جام بزرگ اوروك (Uruk) جهت تشریفات دینی.[۴۲]

39— H. Frankfort: The Art and Architecture of the Ancient Orient, Middle-d'Assyriologie et d'Archéologie Orientale, Paris, 56 (1962), p. 117, n. 7. sex, Pinguin Books, 1954, fig. 9, British Museum.

40— Exposition «7000 ans d'Art en Iran», cat. 80.

41— A. Parrot: Sumer, fig. 159 A, B, fig. 169 A.

42— A. Parrot: Sumer, fig. 88-90.

۲۲ـ جام زرین املش : متعلق بقرن نهم یا هشتم قبل از میلاد، در موزه ایران باستان . ظرف شامل دومجلس فوقانی وتحتانی است. دربالا شیری بگوزنی حمله نموده ودر پائین یکی از اجنه ظرفی را بغل گرفته که مایعی از آن فوران میکند . ۲۳ـ جام حسنلو : مرد حامل پیاله .

ـ مجسمه کوچك خفاجه (Khafadjeh) [۴۳] .

ـ مجسمه‌های پیشوایان دینی مکشوفه در ماری (Mari) [۴۴] .

اشخاص منقوش برآثار فوق گاهی دارای ریش هستند و گاهی با صورت تراشیده ولی همیشه و بدون استثنا سرشان بدون مو میباشد. در مواقعی هم که شاه شخصاً وظایف مذهب را انجام میداد عرق‌چینی بسر میگذاشت تا چنان نمایدکه سرش تراشیده است.

43— H. Frankfort: Sculpture of the Third Millenium B. C. from Tell Asmar and Kafadjeh, Chicago, 1939, pl. 21-23.

44— A. Parrot: Mari, 24-30.

در پشت سر این رئیس دینی ، دومردی حرکت می‌کنند که هر کدام با یك دست پس گردن و با دست دیگر سرین گوسفند راگرفته و بجلو میرانند . در اینجا سروکار ما با قربانی بمفهوم واقعی است ، یعنی ریختن خون که طبق قدیمی ترین سنتها معادل جرعه فشانی بوده است . درباره ذبح حیوانات باین‌منظور مدارك متعددی موجود است . بعض اوقات صحنه های نمایش تشریفات مذهبی قربانی ، میدان جولان ذوق و قریحه هنرمندان گردیده و مهارتیکه در تجسم جزئیات ، آنهم در سبکی کاملا طبیعت گرا ، بکار برده حاکی از قدرت فوق‌العاده حس مشاهده آنان میباشد.

گوسفند حیوانیست‌که بیشتر قربانی میشده است. ارقام گوسفندانیکه جهت قربانی وارد معابد سومری و اکدی میشده در متون مذهبی درج گردیده است، تعداد آنها واقعاً حیرت‌آور است.

بعضی از نقشهای برجسته برروی سنگ چنان زنده هستند که گوئی ما درآن تشریفات حاضر بوده‌ایم و درنتیجه بخوبی درمییابیم که مقصود غائی از اینکار نثار نمودن خون بوده است.

ضمن کاوشهای ماری، خرده‌های منقوشی از جنس صدف پیدا شد. پس از جورکردن آنها صحنه‌ای پدید آمدکه به «ذبح‌گوسفند» مشهور شده است. این اثر در معبد شمش پیدا شده و مراحل پی‌درپی قربانی گوسفند را با دقت و ریزه‌کاری هرچه تمامتر نشان میدهد.[۴۵] همچنین صفحه بزرگ نقاشی شده‌ای از کاخ ماری که اکنون در موزه لوور میباشد، تشریفات قربانی گاو را، آمیخته با یك احساس شکوه و عظمت، نمایان میسازد.[۴۶]

45— A. Parrot: Sumer, fig. 171 B, Musée de Damas

46— A. Parrot: ibidem, fig. 344, 345. — Idem: Syria fac. 4 (1937) Musée du Louvre.

متون مربوط باین موضوع ما را آگاه مینمایند که خدمه معبد حیوان را جهت ذبح میآوردند و در مواقع کاملا استثنائی شاه شخصاً خون آنرا بپای خدایان ریخته و نثار آنها میکرده است. ضمناً تصریح شده است باینکه در مراسم مزبور، شاه خودرا بلباس روحانیون درمیآورده است باین طریق‌که جامه بلندی پوشیده و عرقچینی بسر میگذارده است.[۴۷] این توصیف از هرجهت باصحنه جام حسنلو تطبیق مینماید و ما را مجاز میسازد باینکه شخص حامل پیاله را شاهی بدانیم‌که طی تشریفات باشکوهی بانجام مراسم دینی مشغول میباشد.

زن ایستاده برپشت قوچ

بطوریکه در آغاز این مبحث، یعنی «مسئله منشاء تصاویرجام» اشاره شد بیشتر نقوش جام حسنلو معرف اساطیری میباشد که با اساطیر مذکور در آثار تاریخی سوریه و بین‌النهرین خویشاوندی دارد. معذالك تصویر زن عریان ایستاده برپشت دو قوچ، نشانه‌ای از الوهیت، تا حدی پیچیده است (شکل ٢٤). شخص مزبور پوشاکی جز یك گردنبند و یك شنلی که با نوك دستها گرفته ندارد. تنها چیزی‌که بما القا میکندکه شیئی اخیر را شنل بدانیم شباهت نقش آنست با پارچه لباسهای اغلب اشخاص دیگر این جام. ولی آیاممکن نیست آنرا چیز دیگری تصور کنیم؟ مثلا باران و یا بالها؟ برای روشن شدن این مطلب، تصویر مورد بحث را با چهار اثر زیرین مقابله مینمائیم:

۱ــ یك استوانه عصر اکد شمایل الهه عریانی را نشان میدهد

47— R. Dussaud: Les religions des Hittites.... p. 348.

۲۴ـ جام حسنلو : الهه عریانی که روی دوقوچ ایستاده .

که سوار بر گاو بوده و بازوانش را برروی سطحی خط‌خطی، که که میتوان باران پنداشت، گشوده است.[۴۸] چنانکه بالاتر گفتیم، باران یك عنصر اصلی تکوین عالم (Cosmogonie) ملل شرق قدیم بوده است.

۲ـ برروی یك استوانه‌ای که درسوریه پیدا شده، یك موجود خدائی عریان برپشت یك گاو یا یك شیر ایستاده و دستهایش را برروی سطح منقوشی بازکرده‌که خانم پردا نام «محوطه بالدار» (a winged enclosure) بدان نهاده است.[۴۹]

۳ـ الهه فوق‌الذکر را برروی ظرفی مکشوفه در لارسا (Larsa)

48— H. Frankfort: Cylinder Seals, pl. XXII, (British Museum 89089).

49— E. Porada: Corpus of Ancient Near Eastern.... vol. 1, XIV, n. 967, pl. 29.

میبابیم که این‌بار برپشت هیچ حیوانی قرار نداشته و جهت دعای خیر، دستهایش را برفراز دو بال باز نموده است.[۵۰]

٤ــ تصویر مشابهی برروی صفحه گل پخته‌ای متعلق بموزه لوور دیده میشود لکن الهه برپشت دوبزکوهی نشسته، ایستاده است.[۵۱]

بطورکلی، این نوع خدایان از جمله مشخصات هزاره دوم پیش از میلاد سوریه میباشد که گاه در بناهای تـاریخی وگاه بصورت مجسمه‌های کوچك، مخصوصا برای آویختن بگردن بعنوان تعویذ و طلسم، مشاهده میگردد. بعضی از طلسمهای مزبور او را درحال شیردادن بکودکی نشان میدهد. اکثر علما او را الهه بـاروری شناخته‌اند.[۵۲] برعکس، الهه جام حسنلو، بعلت ارتباطش با قوچ، در زمره الهه‌های سوری درنیامده و به‌اساطیر سومری ماقبل تشکیل سلسله‌ها ملحق میگردد.

ازسوی دیگر، قرارگرفتن این الهه بلافاصله بعد از هیولائی‌که ازکوه بیرون آمده، او را باداستان اساطیری هیتی‌کوماربی، کـه کمی پائینتر درباره آن صحبت خواهیم کرد، مربوط می‌سازد. در داستان مذکور، الهه میتانی موسوم به‌هبات (Hébat) بهمراهی‌خدای طوفان عهدار نقشی میباشد.[۵۳]

بسهم خود، ما این تصویر جام‌را گونه تحول یافته‌ای از الهه مادر مربوط باعصار خیلی دورتشخیص میدهیم‌که درآثار باستان‌ـ شناسی ایران قسمتهای برجسته تنش خیلی بزرگتر از نسبتهای

50— A. Parrot: Sumer, fig. 367 B.

51— Idem, ibidem, fig. 367 C.

52— G. Contenau: Le Déluge babylonien, pp. 143, 144, fig .26, 27 .

53— Ed. Dhorme: Les religions de la Babylonie et de l'Assyrie, p. p. 352.

طبیعی نموده شده و بمنظور تاکید وظیفه شیردهی او، الهه با دستهایش پستانهای خود را میفشارد.

مرد کماندار

ادبیات مذهبی خاورمیانه قدیم‌که بتفصیل از اصول تکوین عالم، پیدایش جهان، ظهور انسان و نظایر آنها سخن رانده سهم بسزائی هم به‌اسطوره‌های قهرمانی تخصیص داده است. از جانب دیگر، برای تجسم این افسانه‌ها، شمایل سازی علائم و ضمائم معینی برای هر اسطوره تعیین نموده بطوریکه با وجود تغییراتی که تصاویر این اساطیر طی‌زمان بعمل‌آورده‌اند بازهم بوسیله همین علائم‌وضمائم شناخته میشوند. چنین است اسطوره گیلگامش (Gilgamesh) یا قهرمانی‌که متون متعددی داستانش‌را بیان میکند. لکن درهیچ‌جا ما بچیزی بر نمیخوریم‌که یادآور قهرمان کماندار جام حسنلو باشد. درمقابل بعضی نقشهای برجسته سنگی آسیای صغیر متعلق به‌نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد تصویر بزرگ شده کمانداری را عرضه میکندکه هویت آن تا حال مورد بحث باقی مانده زیرا برخی آنرا خدای جنگ و برخی یك شاه دانسته‌اند.[۵۴]

اما کماندار جام حسنلو دارای اسلاف کاملا ایرانی میباشد، آنهم درنقوش برجسته شهرزور (Shahr-Zor) که متعلق به‌اواخر هزاره سوم قبل از میلاد است.[۵۵] باآنکه نحوه ترکیب اشکال تقلیدی ازصحنه‌های فتح وفیروزی بین‌النهرینی است، شاه‌لولوبو (Lullubu)

54— M. Th. Bossert: Das hethitische Felsrelief bei Henyeri (Geszbili), in Analecta Orientalia, XXIII (1954), pp. 129 ss, pl. XXVI abb. 10. — J. Danmanville: Iconographie d'Ishtar en Anatolie ancienne, in Revue

55— R. Ghirshman: L'Iran des origines à l'Islam, p. 42.

کمانش را، باحالتی بسیار شبیه قهرمان جام حسنلو، روی زانویش تکیه داده است (شکل ۲۵). گذاردن انتهای سلاح بروی پا سنت

۲۵ـ نقش برجسته سنگی آنوبانینی در شهر زور، اواخر هزاره سوم قبل از میلاد.

پایداری بوده زیرا پانصد سال بعد، نگهبانان کاخهای هخامنشی، عین کماندار جام حسنلو میایستند (شکل ۲٦).

چنانکه گفتیم، پوشش سرکماندار ما عبارتست از یك نواری دور سرش که بکله ماری ختم میشود. شاید این مار نشانه صفت الوهیت قهرمان باشد. دراینصورت اوخدای جنگ بوده، یافرشته‌ای مظهر یکی ازعناصر طبیعی، یا خیلی ساده یك شاه وحتی یك رئیس قوم؟ تشخیص آن مشکل است.

درهیأت وحالت این تصویر نکته دیگری جلب‌توجه میکند وآن جای دادنش است در پهلوی عقابی‌که زنی را حمل میکند (۲۷)

ارتباط عقاب با مار و موضوع دشمنی بین آنها در داستانهای بابلی آمده و ندرتا هم بر روی نشانها و مهرهای عتیق ترسیم

شده است.[۵۶] در اینجا از چند نمونه نمایش این‌موضوع یاد میکنیم:

ـ استوانه فاتا (Fata) ویك استوانه دیگراز عصر اکد که بیشتر به اسطوره معروف اتانا (Etana) مربوط میشوند.[۵۷]

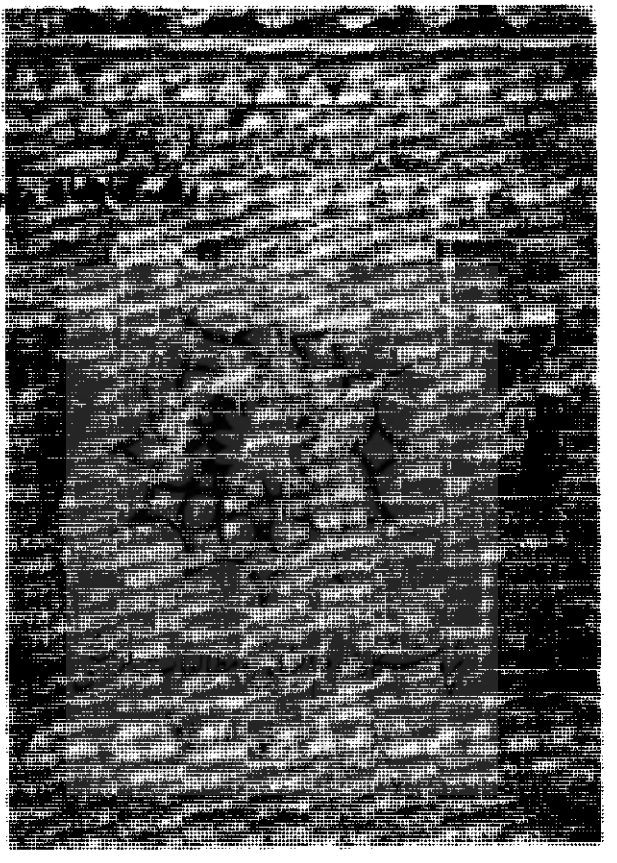

۲۶ـ گیلوئی مشهور به‌کمانداران، مکشوفه درشوش وموجود درموزه‌لوور.

آثار ایرانی متعلق به‌هزاره سوم قبل ازمیلاد، بشرح زیر:

56— G. Contenau: Epopée de Gilgamesh, Paris, 1939, pp. 147 ss.

57— Pierre Amiet: Glyptique Mésopotamienne ancienne, Paris, 1961, pl. 95, fig. 1252; pl. 98, fig. 1296.

ـ یك مهر استوانه‌ای مکشوفه در شوش (از یـك مجموعـه خصوصی در تهران) [۵۸]

ـ تیله های سفالین بدست آمده از تپه گیان و قشر دوم شوش [۵۹]

ـ یك ظرف مکشوفه در سیلك [۶۰]

۲۷ـ جام حسنلو : عقاب حامل زن .

ضمناً تذکر این مطلب زائد نیست که موضوع عقاب و مار ، مانند اکثر موضوعات مشرق قدیم ، دوباره طی قرون وسطی ظاهر میگردد و بهترین نمونه آن کتاب یوحنای اسپانیائی (Apocalypse espagnole)

58— E. Paroda: Iran Ancien, p. 32.

59— G. Contenau & R. Ghirshman: Fouilles de Tépé-Giyan, Paris, 1933, pl. 66, 67.

60— R. Ghirshman: Fouilles de Tépé-Sialk, vol. 1, pl. 60.

متعلق به قرن دهم میلادی میباشد (شکل ۲۸)[۶۱]

صرفنظر ازهویت کماندار جام حسنلو ، ازتباطش با سایر تصاویر جام و نقشی‌که دربیان اساطیر جام برعهده دارد، حالت و طرز ایستادن او ناشی از یك سنت محلی بسیار قدیمی است‌که قرنهای دراز دیگری در ذهن تصویرسازان باقی میماند تا ازنو برروی نقوش برجسته شوش و تخت جمشید ظاهر شود.

۲۸ـ موضوع دشمنی عقاب و مار ، مینیاتور قرن ۱۱ میلادی که درشهر سن‌سور (Saint—Sever) اسپانیا کشیده شده است .

عقاب حامل زن

موضوع عقاب حامل زن محتاج بتوضیح مختصری است. یك استوانه یافته شده در لاگاش (Lagash) و متعلق بعصر اکد، افسانه اتانا شاه داستانی کیش را بیان میکند (شکل ۲۹)[۶۲] . اتانا، که هم

61— C. Nordenfolk: Le Haut Moyen Age.

62— A. Parrot: Tello, p. 138, pl. XI. Musée du Louvre. — Idem: Assur, fig. 359, Musée de Berlin. — G. Contenau: Le Déluge babylonien, p. 149, fig. 31.

چوپان بود وهم شاه، برپشت عقابی بپرواز درمیآید و بجستجوی «گیاه تولد» میپردازد تا زنش بتواند باو پسر و جانشینی بدهد. قطعه‌ای از متن‌که بااین عبارات شروع میشود «ای خدای من، کاش بامر تو فرزندی برای من تولد یابد، گیاه زندگی را بمن ارزانی دار» سخت مهیج است. [۶۳]

بین پیدایش این اسطوره و تاریخی‌که تصور میشود جام حسنلو

۲۹ـ مهر استوانه‌ای ازعصر اکدو مکشوفه درلاگاش درباره اسطوره اتانا (نیمه دوم هزاره سوم قبل ازمیلاد).

ساخته شده باشد بیش از هزار سال فاصله است. معذالك ابدا گزاف‌گوئی نیست اگر نقش عقاب حامل زن برروی جام را بااین افسانه اکدی مرتبط سازیم. این تصویر جام را میتوان یك روایت ایرانی همان داستان اکدی دانست که درآن چوپان ــ شاه جای خود را برپشت عقاب بزنش داده تا مستقیماً نزد خدایان رفته و گیاه معجزآسا را دریافت نماید (شکل ۲۷).

ناگفته نماندکه برروی مهر استوانه‌ای شوش که بالاتر یاد

63— G. Contenau: Le Déluge babylonien, p. 148. — Ed. Dhorme: Les religions de la Babylonie et de l'Assyrie, pp. 312 ss.

کردیم، عقاب پرگشوده است و برفراز یکی از بالهایش یك سر انسانی دیده میشود و لذا بعید نیست‌که آن تصویر هم بیان دیگری از افسانه اتانا باشد.

بدین ترتیب تفسیری برای تصویر عقاب حامل زن بدست آمد. اما یك متن فنیقی که بتازگی قرائت شده تفسیر دیگری را بما القا مینماید.

توضیح آنکه یکی از متون مکشوفه در اوگاریت یا راس شمره (Ugarit, Ras-Shamra) اطلاعات‌جدیدی‌درباره‌قدرت الهه‌کنعانی موسوم به آنات (Anat) در اختیار ما میگذارد.[۶۴]

ضمن برشمردن کرامات الهه مزبور، متن فنیقی میگوید که او میتوانسته در هوا حرکت کند. البته درآن زمانها، چنین کاری از امتیازات خدایان محسوب میشده است. بدین جهت دراین متن به آنات لقب «پرنده پرندگان» (بمفهوم زیباترین پرندگان) داده شده است. علیهذا آستارته (Astarté) یا «الهه بالدار» نیز بهمین شکل تجسم مییافته است.[۶۵]

این صفت الهه فنیقی ما را از تصویر پرهیجان افسانه اتانا دور ساخته و دعوت میکند باینکه مسافر عقاب حسنلو را موجودی ربانی از دسته ایشتر (Ishtar) یا آستارته بشماریم. ازجانب دیگر، توصیف الهه پرنده بطور تعجب‌آوری با آناهیتا ایزد ساسانی، که

64— Ch. Virolleau: Les nouveaux textes mythologiques de Ras-Shamra, extrait des Compte-Rendus de l'Académie des Inscriptions & Belles-Lettres (1962). — Idem, in Compte-Rendus au Congrès Assyriologie, Paris, juillet 1964.

65— M. Shaeffer: Ugaritica, II, p. 41, fig.. 14, 3. — Th. Barrelet: Syria XXXV, 1958, pp. 36-42.

گوئی تجدید خاطره‌ای ازمجمع خدایان مانه‌ایست، تطبیق مینماید.

بدیهی است‌که با فقدان متن نمیتوان بصحت یکی ازاین دو تفسیر رأی داد. زیرا ترکیب و نظام افکار مذهبی این تمدنها، حتی اگر متون مربوط بآنها هم درنهایت وضوح خوانده شده باشند، بحدی غامض و پیچیده است‌که در حیطه تصور یك انسان زمان حاضر نمیگنجد. لذا تمام این فرضیه‌ها حکم اقدامات آزمایشی را دارد بمنظور کشف رمزی‌کـه عبارتست از تعیین هویت این موجودات. فقط اینقدر مسلم است‌که آنها دارای صفات فوق‌طبیعی بوده‌اند. البته اگر هنرمندی که جام حسنلو را ساخته است در زیر هریك از این موجودات نامشان را در مربع مستطیلی نوشته بود، همانطورکه در بسیاری از آثار تاریخی این عمل انجام شده است، کار شرح و تفسیر شکلها خیلی آسانتر میگردید. اصلا جا دارد از خود بپرسیم هنرمند زبردستی که این انجیل عجیب را بصورت اشکال درآورده چطور این کار را نکرده است؟

کشتن مرد زشت

بلافاصله بعد ازاین صحنه که حاکی از احساسات لطیف انسانی میباشد، هنرمند ما را دربرابر منظره‌ای آمیخته بخشونت و زشتی قرار میدهد (شکل ۳۰).

دونفرکه بشخص ثالثی درآویخته باشند، یك موضوع معمولی درشمایل‌سازی آسیای جنوب غربی بوده و ادبیات بابلی یك ردیف داستان، که تغییرات جزئی دربعضی ازآنها وارد شده، باین مطلب تخصیص داده است. اینك چند مورد مشابه این صحنه را از نظر میگذرانیم:

۱ــ از ۱۲ لوحه حماسه گیلگامش، ٤ تای آنها شامل تفصیل

۳۰ـ جام حسنلو : مبارزه دونفر باشخص ثالث .

قدرت‌نمائیهای قهرمان مذکور و دوستش بنام انکیدو (Enkidu) در مبارزه با هیولای هومبابا است. درآنجا شرح خواب انبیائی گیلگامش، طرح‌های عزیمت و حرکتش و اتفاقاتیکه در جنگل سدر روی داد و بالاخره مقابله‌اش با هومبابا با ذکر تمام جزئیات بیان گردیده است.[۶۶] صحنه‌های مختلف این داستان بوفور برروی نقوش برجسته سنگی و یا برروی نشانها و مهرها نقش بسته است.

۲ـ یك لوحه کوچك بابلی ـ که هیولای مزبور را با مشخصات گرگن (Gorgone) نشان میدهد[۶۷] ـ شمر گیلگامش را بدقت هرچه

66— G. Contenau: Manuel d'Archéologie Orientale, II, pp. 77, 109, 295.

۶۷ـ گرگن‌ها از اساطیر یونان قدیم وعبارت بودند ازسه خواهر(Méduse, Euriyale, Sihéno) که قادر بودند هرکس آنها را نگاه‌کند جابجا تبدیل‌بسنگ نمایند (مترجم) .

تمامتر مجسم مینماید.[۶۸]

۳ــ موضوع مورد بحث همچنین برروی اثر مهری،که در نوزی (Nuzi) پیدا شده ظاهر میگردد لکن‌درآنجا مهاجمین تاج‌شاخداری ــ که از علائم الوهیت است ــ برسر نهاده‌اند و الهه‌ای جهت یاری درکنار آنها قرارگرفته است.[۶۹]

٤ــ روی مهر استوانه دیگری که آنهم از نوزی بدست آمده، شخص مورد حمله، لباسی کوتاه و از پارچه‌ای با نقش چهارخان برتن دارد که اورا در زمره تصاویر «قهرمـان ریشوی عریان» درمیآورد.[۷۰] ولی در این افسانه مصور ، بجای مشخصات دقیق هومبابا، نمونه عمومی از دسته‌ای از شیاطین ترسیم گردیده است.

٥ــ در موزه بریتانیا، یك لوحه از گل رس، صورت کج وکوله فوق‌العاده منحوسی را عرضه میدارد و بر لوحه دیگری همان‌صورت ادا و اصول درآورده است.[۷۱]

٦ــ در آثار تاریخی هیتی جدید در آسیای صغیر، بازهم این افسانه موضوع صحنه‌سازی واقع شده است.

۷ــ یك نقش برجسته تل حلف (Tell-Halaf) متعلق باوائل هزاره یکم قبل از میلاد مجلس «بقتل رساندن یك غول» را ــ که

68— Dietriih Opitz: in Archiv fur Orientforschung, V (1928-1929), pp. 207ss.

69— E. Paroda, in Annual of American School of Oriental Researches, XXIV, fig. 728, pp. 60 ss.

70— Idem: Corpus of Near Eastern Seals..., vol. 1, Serie XIV, fig. 686. — Idem: Seal Impressions of Nuzi, in Annual of American School of Oriental Researches, XXIV, p. 60, n. 278.

71— A. Parrot: Sumer, fig. 369, 370.

خاطره‌ای از الواح بابلی بنظر میآورد ــ نشان میدهد (شکل ۳۱). [۷۲] هم از لحاظ سبك و هم از جهت حالت اشخاص، این مدرك ازهمه آنهای دیگر به تصویر جام حسنلو نزدیکتر است.

۳۱ــ نقش برجسته متعلق باوائل هــزاره نخست قبــل از میلاد : مکشوفه در تل‌حلف و مشهور به «بقتل رساندن یك غول» .

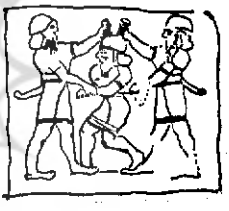

۳۲ــ نقش مکشوفه درکار کمیش .

۸ــ نقش دیگری از همین زمان که از کارکمیش (Karkémish) بدست آمده همین موضوع را با جزئی تغییراتی در لباس و سلاح نمایان میسازد (شکل ۳۲) [۷۳]. لکن شکل و هیکل دشمن مضروب فاقد آن کراهت زننده لوحه کوچك موزه بریتانیا ــ که از تصاویر تل حلف و جام حسنلو نیز ناخوشآیندتر است ــ میباشد.

از مقابله هشت مدرك بالا با نقش جام حسنلو در مییابیم‌که

72— Idem: Assur, p. 90, fig. 99. — A. Mortgat. Tell Halaf III, Berlin, 1955.

73— H. Frankfort: The Art and the Architecture of the Ancient Orient, p. 182, fig. 88A.

این نقش با آنکه مستقیماً از منابع ادبی مدارك مزبور سرچشمه نگرفته معذالك الهام‌پذیر افسانه آنها گردیده یعنی افسانه مبارزه قهرمان معلومی برعلیه دیو تخریب و ویرانگری یا بزبان دیگر، جنگ موجودی پاك با موجودی بد، خلاصه همان دوگانگی شدیدی که در طی قرون اساطیر، اصول اخلاقی و داستانهای ادبی ایران را سیراب نموده‌است. اسطوره اهورامزدا، اصول شریعت زردشت، تصوف مانی و اشعار حماسی فردوسی مبین بینش جهانی هستند که هیچ فرقی با مفهوم این تصویر جام حسنلو ندارد.

زن همراه شیر

در مجمع خدایان خاورمیانه قدیم، الهه محبوب‌القلوب، ستاره زهره بودکه سومریها این‌نینی (Innini) و سامیهای بابلی، آشوری و عیلامی ایشتر مینامیدند. بعنوان الهه شب، او مظهر عشق و بعنوان ربت‌النوع صبح، او حاکم برتقدیر جنگ و کشتار بود. در کهنترین متون تاریخی، او همبستر خدای ملی خوانده شده است. خویشاوند نزدیك شمش و سین و مخصوصاً آنو (Anu) شمرده شده، سرودهایش مملو از مدح و ثنا بوده و تعداد بیحسابی معبد برای او ساخته شده بود. علامت مشخصه او ستاره هشت و شانزده پری محیط دریك دایره، حربه او یك کمان و حیوان منسوب به او شیر بود.

مجمع خدایان ایرانی از وجود این الهه نمیبایست بیخبر مانده باشد زیرا صورت اورا برروی آثاری بقدمت نیمه هزاره سوم میبابیم. یك مهراستوانه‌ای موزه لوور متعلق بعصر سلسله عتیق، یعنی حدود ۲۵۰۰ قبل از میلاد مکشوفه در شوش اورا سه بار

چمباتمه‌زده برپشت شیری نشان میدهد و در جوار او ستاره‌ای‌که نشانه الوهیتش است نقش بسته است[۷۴]. در سکوی یادگار آنوبان‌ـ نینی (Anubannini) در شهرزور، که بالاتر بمناسبت مردکماندار ضمن شکل ۲۵ بررسی کردیم، الهه مزبور تاج دوشاخی برسر نهاده، با یکدست ردیفی از اسیران را برای شاه آورده و با دست دیگر حلقه‌ای را نگهداشته است و ستـــاره‌ای هویت اورا ثابت مینماید.[۷۵]

در بین‌النهرین، بناهائیکه تصویر اورا در بر دارد همانقدر متعدد است‌که متنوع.

در نقاشی قصر ماری، آغاز هزاره دوم، او یك پایش را روی شیری گذارده، با دستی یك چنگ را گرفته و با دست دیگر عصا و حلقه‌ای را بسوی شاه درازکرده است. این صحنه باید حاکی از تاجگذاری باشد.[۷۶]

یك مجسمه گل پخته بابلی اورا ایستاده برپشت شیری نمایش میدهد. دراینجا او مجهز به‌کمان وهمچنین سلاحیست‌که بومرانگ (Boomrang) خوانند. دایره شعله‌وری پهلوی کمانست.[۷۷]

در ردیف خدایان مصور بر تخته سنگ مالتائی (Maltaï) ایشتر

74— Pierre Amiet: Glyptique Mésopotamienne Ancienne, pl. 103, fig. 1363.

75— G. Contenau: Manuel d'Archéologie Orientale, II, p. 763. — R. Ghirshman: L'Iran des origines à l'Islam, p. 42, fig. 22.

76— A. Parrot: Syria XVIII (1937), p. 335, pl. XXXIX. — Th. Barrelet: Studia Mariana, pp. 9-35.

77— H. Gressmann: Altorientalische Bilder zum Alten Testament, 2e édition, 1927, n. 252.

برروی شیری ایستاده و این الهه فقط یك حلقه در دست دارد.[۷۸]

بالاخره برروی یك سکوی یادگار آشوری در تل بارسیب (Til-Barsib) الهه مزبور تاجی بر سر نهاده که بر فرازش ستاره هشت‌پری محیط در یك دایره جای گرفته. او دو ترکش حمایل کرده و در حینی‌که تسمه شیر را با یکدست گرفته، با دست دیگر حرکت دعای خیر وبرکت را انجام میدهد. ضمناً شمشیری نیز به پهلوی خود آویخته است.[۷۹]

تمام این مقایسه‌ها ما را ترغیب می‌کند باینکه زن همراه شیر جام حسنلو را نیز یکی از تجلیات الهه ایشتر بحساب آوریم. البته در این حرفی نیست‌که هیأت وحالت او بکلی باآثار یادشده تفاوت دارد. ولی مگر درموارد سایر موضوعات جام‌که تاحال بررسی‌کردیم وضیع غیرازاین بود؟ شاید بازهم لازم به‌تذکر باشدکه سروکارما بافرهنگی میباشد که ماهیتاً دارای استعدادهای تخیل و ابتکاربوده است‌چنانکه‌استعدادات‌مذکوررا درتمام‌طول‌تاریخش، علی‌الخصوص درقلمرو افکار دینی، حفظ نموده است.

طراح جام حسنلو، این تصویر را، همچون مابقی صورتهای جام، تعمداً ساده‌کرده بحدی‌که بیشتر جنبه اشاره به‌الهه مزبور را دارد تا ترسیم شکل او. طراح به‌او قیافه زن بسیار جوانی را داده که فاقد تاج خدائی بوده وگیسوانش را بادقت وظرافت تمام- ولی بسبك مد روز و همانطوریکه زنهای دیگر جام سرخود را درست

78— G. ContenauP Manuel d'Archéo. Orientale, III, p. 1281.—F. Thureau—Dangin: Revue d'Assyrio. et d'Archéo., XXI, 1924, pp. 185—197.

79— F. Thureau—Dangin & M. Dunand: Til Barsib, p. 156, pl. 14. Musée du Louvre.

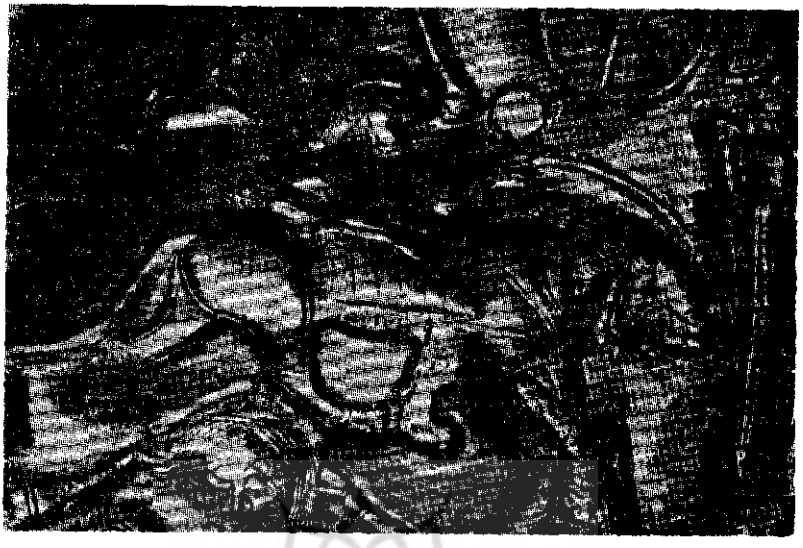

۳۳ـ جام حسنلو: الهه همراه شیر .

کرده‌اند ـ آراسته است (شکل ۳۳).

هیچ ستاره‌ای صفت خدائی‌اورا خاطرنشان نمیکند، ولی دریك دستش آئینه و تسمه شیر و در دست دیگرش یك بومرانگ ـ از جمله اسلحه خانه ایشتر ـ قرار گرفته است.

دربین اشیاء اخیر، آئینه نیازمند بشرح و تفسیر است. ایشتر بین‌النهرین بندرت آنرا بدست گرفته ولی برعکس نزد خدایان سوریه شمالی بکرات دیده‌شده است. مثلاکوبابا (Kubaba) الهه حامی شهر کارکمیش برروی نقش برجسته‌ای متعلق بقرن دهم قبل از میلاد برتختی نشسته و آئینه‌ای بدست دارد. [۸۰] یك مهر استوانه‌ای مکتشفه در نوزی، الهه بالداری را نشان میدهدکه درهردستش یك آئینه است. [۸۱] مثل اینست که در آداب و رسوم هوری، این شیئی

80— Maurice Viera: Hittite Art, London, 1955, p. 70, fig. 51.

81— E. Paroda: Ann. of American Sch. of Orient. Res., XXIV, pp. 62, 63,n. 736

معنای خاصی داشته است زیرا درصورت (لیست) هدایای عروسی یك شاهزاده خانم میتانی با یك فرعون، دو آئینه قیدگردیده است. بدنیست‌که در این‌مورد توضیح بیشتری بدهیم. صورت هدایای مزبور ضمیمه نامه‌ای بوده که شاه میتانی موسوم به توسراتا (Tousratta) که درقرن چهاردهم قبل ازمیلاد میزیسته به فرعون مصر آمنفیس سوم (Aménophis III) نوشته است.[۸۲] هنوز هم درایران این رسم پابرجاست بطوریکه آئینه از اولین هدایای سنتی عروسی می‌باشد.

درجام حسنلو، وجود این آئینه‌را بهیچ‌چیز دیگر نمیتوان تعبیر کرد مگر بنفوذ تمدن هوری در ایران غربی. اگر هم بخواهیم حتماً تعبیر دیگری پیدا کنیم، تنها میتوان احتمال دادکه هنرمند خواسته باشد دونقش متفاوت الهه مزبور ــ یعنی دلربائی و جنگ ــ را گوشزد کرده باشد.

بنظر میرسدکه این الهه روی شیر بحال چمباتمه نشسته باشد، چنانکه برروی مهراستوانه‌ای شوش متعلق به ۲۵۰۰ قبل از میلاد که بالاتر یادکردیم بهمین نحو نشسته بود. دراینصورت قسمتی از دامن او پشت وپهلوی شیر را پوشانیده است.

قبل از خاتمه دادن ببرسی این ایشتر مانه‌ای، که خیلی میل داریم اسمش را میدانستیم، ذکر چند کلمه درباره ستاره هلیس مانندی که برروی ران مرکوب او ترسیم شده لازم میباشد. این علامت که بتعداد بیشماری برآثار آسیای جنوب غربی مشاهده می‌گردد، چه از جهت مبداء و منشاء آن وچه ازجهت معنا ومفهوم

82— J. A. Knudtson: Die el-Amarna Tafeln., Leipzig, 1915.

آن بارها مورد مطالعه قرارگرفته است.[۸۳]

ما این علامت را برجام کلاردشت و پیاله املش، که کمی بعد بشرح آنها مبادرت خواهد شد، و براغلب آثار تاریخی سوریه شمالی و فلسطین ــ مانند سنگ یادگار بایزان (Beisan)[۸۴] وگل‌میخ راس‌شمره[۸۵] که هردو از هزاره دوم پیش ازمیلاد است ــ میبابیم. ازآنجا که تقریبا همیشه این علامت همراه بانقش شیر، از علائم مشخصه ایشتر، میباشد بعید نیست که معرف ستاره‌ای باشد که مظهر الهه مزبور بشمار میرفته است.

سه شمشیر کوتاه

طراح جام حسنلو، این اشاره ظریف به‌الهه جنگ را با ردیفی از سه قمه تکمیل مینماید. سلاحهای تصویر شده ازنوع تشریفاتی هستند و علم باستانشناسی آنهارا، هم از حیث منشاء و هم ازحیث سبك هنری طبقه‌بندی نموده است. قمه‌هائی که تصویرشان را در اینجا میبینیم یا ازمفرغ بوده‌اند یا ازطلا، درهرحال جزو ثابت اسباب‌خانه آخرتی بوده‌اند که همراه جسد مرده درقبر میگذاشتند. محل ساخت آنها نواحی مجاور دریای خزر بوده و زمان ساخت آنها را بین‌قرنهای دوازدهم تانهم‌قبل ازمیلاد تعیین نموده‌اند. دربین نمونه‌های مشهور آنها چندتارا اینك ازمدنظر میگذرانیم:

۱ــ قمه‌ایکه اداره باستانشناسی ، ضمن کاوشهای ۱۹۴۷/

83— E. D. Van Buren,in Analecta Orientalia, 23 (1945), pp. 120, 121. — Sir Leonard Woolley: Ur Excavation, II, p. 277.

84— H. Frankfort: The Art and Arch. of the Ancient Orinnt, pl. 149, pl. 277.

85— Idem,ibid., p. 149, fig. 68.

۱۳۲٦، درگـورستان حسنلو کشف نمـوده است. شمشیر کوتاه یکپارچه‌ایست یعنی تیغ ودسته آن یك قطعه فلز میباشد. قطعات چوب بردسته آن نصب ومیخ‌پرچ گردیده است (موزه ایران‌باستان)

۲ــ درموزه فیلادلفیا، قمه‌ای شبیه آنکه برروی جام ترسیم‌شده وجود داردکه ضمن کاوشهای هیئت باستانشناسی آن‌موزه درحسنلو و در سطحی مقدم برسطح بناهای سوخته شماره ۱ و ۲ بدست آمده است.

۳ــ درقبر شماره ۱۰ تپه‌گیان، یك خنجر مفرغی متعلق باوائل قرن ۱۲ قبل ازمیلاد یافت شده است. [۸۶]

٤ــ خنجردیگری درقبر شماره ۲ بادخوره (Bad-Hora) ازمفرغ، بازهم تیغه ودسته سرهم.[۸۷]

٥ــ خنجر کلاردشت، ازطلا، یکپارچه بادسته، تیغه مزین بدو دایره با خطی‌که ازمراکز آنها میگذرد، چوب منهدم شده. [۸۸]

ذکراین نکته‌لازم‌بنظرمیرسدکه‌کشیدن تصویرسلاحها درقسمت آزاد مانده صحنه از زمانهای بسیار دور معمول بوده است چنانکه نشانها ومهرهای عصر سلسله عتیق بین‌النهرین بوفور آنرا نشان میدهند. [۸۹] تاآنجاکه استنباط شده‌است این‌کار بمنظور تأکیدصفت جنگی صحنه انجام میگرفته است.

86— G. Contenau & R. Ghirshman: Fouilles de Tépé - Giyan près de Nehavand, 1931—1932, pl. 10,7.

87— Idem, ibidem, p. 113, pl. 24.

۸۸ــ ح . صمدی : گـزارشهای باستانشناسی ، سوم (۱۹۵۵/۱۳۳٤) ، صفحه ۱۲۹ ، شکل ۱۰

89— Pierre Amiet: Glyptique Mésopotamienne Ancienne, fig. 856,857,891,903.